ذره‌بین

استفاده از مواد مخدر توهم‌زا عامل سرقت تلفن‌همراه

شهروند| دو مرد و یک زن سارق به کارگر ساختمانی هم رحم نکردند. متهمان با سرقت گوشی تلفن‌همراه این کارگر پا به فرار گذاشته بودند که دستگیر شدند. هفدهم شهریورماه سال‌جاری مردی با مراجعه به کلانتری ۱۲۷ نارمک اعلام داشت گوشی موبایلش توسط یک خانم و دو مرد سرقت شده است. پس از ثبت شکایت اولیه پرونده تشکیل‌شده به پایگاه چهارم پلیس آگاهی برای رسیدگی تخصصی ارجاع شد و تیمی از مأموران مبارزه با سرقت‌های خاص این پایگاه مسئولیت پرونده را بر عهده گرفتند.

این مرد در پایگاه چهارم پلیس آگاهی گفت: «شغلم کارگر ساختمانی و نظافت خانه است. بعدازظهر پانزدهم شهریورماه درحالی که در چهارراه دردشت برای کار در خانه ایستاده بودم، دو آقا و یک زن با یک پژوی نقره‌ای رنگ به من مراجعه و ادعا کردند که برای نظافت ساختمانی نیاز به کارگر دارند که سوار خودروی آنان شده و به آدرس میدان ۵۲ نارمک رفتیم. در یکی از ساختمان‌ها را زده و زمانی که من از خودرو پیاده می‌شدم، به سمت من حمله‌ور شده و گوشی تلفنم که به ارزش حدود ۵۰ میلیون ریال بود را سرقت و به سرعت سوار بر خودروی‌شان شدند و از محل گریختند.» با توجه به اظهارات شاکی، اکیپی از کارآگاهان به آدرس‌های اعلامی واقع در چهارراه دردشت و میدان ۵۲ نارمک اعزام و با بررسی و تحقیقات میدانی موفق به شناسایی شماره انتظامی خودرو شدند. با بررسی بیشتر، کارآگاهان دریافتند خودرو متعلق به زنی به نام مریم ۲۳ ساله و ساکن اسلامشهر است و تصاویر به دست آمده از مریم به شاکی نشان داده شد و شاکی، مریم را به‌عنوان یکی از سارقان گوشی‌اش معرفی کرد. با توجه به شک کارآگاهان به نقش مریم در سرقت گوشی مالباخته، خانه اولین متهم پرونده در اسلامشهر شناسایی و با اخذ نیابت قضائی، مریم را در خانه‌اش دستگیر و گوشی سرقتی نیز از آن محل کشف شد. متهم پس از انتقال به پایگاه اظهار داشت: «گوشی را به صورت دست دوم به مبلغ ۲۵ میلیون ریال خریداری و مبلغ آن را به صورت نقدی پرداخت کرده و قادر به معرفی فروشنده نیست.» مریم که به‌عنوان یکی از سارقان مورد شناسایی قرار گرفته بود، در تحقیقات تخصصی به ناچار لب به اعتراف گشود و گفت: «با دونفر به نام‌های مسعود ۲۷ ساله و کامران ۳۱ ساله سرقت را انجام داده است.» با بررسی سوابق مسعود مشخص شد، او سابقه‌دار بود و پیشتر با همین عنوان مجرمانه دستگیر شده است. در گام بعدی تحقیقات پلیسی مخفیگاه هر دو متهم در اکباتان شناسایی و با دستور قضائی هر دو سارق دستگیر شدند. رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی پایتخت با اعلام این خبر گفت: «ضمن اعتراف متهمان به جرم ارتکابی علت وانگیزه سرقت را استفاده مواد مخدر از نوع توهم‌زا اعلام کردند و پرونده به دادسرا ارسال و متهمان با دستور مقام قضائی روانه زندان شدند.»

مرگ کودک ۶ ساله زیر چرخ کامیون حمل زباله

صبح شنبه پسر ۶ ساله‌ای در شهرک مهدیه قم واقع در بلوار الغدیر زیر چرخ‌های عقب کامیون حمل زباله رفت و جان باخت. سرهنگ قیصری، سرپرست پلیس راهور استان قم، علت حادثه را حرکت دنده عقب ماشین حمل زباله ذکر کرد که باعث مرگ این کودک شد.

غرق‌شدن ۱۲ مهاجر در آب‌های یونان

در پی غرق‌شدن قایق حامل مهاجران در آب‌های یونان دست‌کم ۱۲ تن جان باختند.

بنابر اعلام مقامات داخلی یونان، در این حادثه که روز شنبه در آب‌های غرب این کشور رخ داد، یک قایق حامل مهاجران غرق شد. در این حادثه دست‌کم ۱۲ تن جان خود را از دست داده و تعداد ۲۱ نفر دیگر نیز نجات پیدا کردند. بنابر اعلام گارد ساحلی یونان، نیروهای امداد و جست‌وجو با کمک بالگرد و قایق درحال بازرسی محل برای یافتن بازماندگان احتمالی این حادثه هستند. گفته شده حدود ۵۰ نفر هنگام وقوع حادثه سوار بر قایق بوده‌اند. به گزارش خبرگزاری رویترز، مقامات یونان با دریافت پیام‌هایی مبنی بر گرفتار شدن این قایق و سرنشینان آن در محل حاضر شدند. درحال حاضر جزئیات بیشتری در رابطه با این حادثه منتشر نشده است.

شهروند

روایت خانواده‌های قربانیان هواپیمای بویینگ پس از بیانیه صبح دیروز ستاد کل نیروهای مسلح

۱۷۶ داغ برای یک اشتباه

> آرزو می‌کردند دلیل سقوط هواپیما نقص فنی باشد. حالا دوبار مرده‌اند یک‌بار سحرگاه چهارشنبه و یک‌بار هم صبح شنبه. وقتی باخبر شدند شایعه‌ها درست بوده و نوعروس و دامادشان به همراه ۱۷۴ مسافر دیگر در آسمان پرند برای همیشه خاموش شدند. سارا ممانی و سیاوش غفوری آذر یکی از آن عروس و دامادهای آن پرواز جهنمی بودند. یکی از همان‌هایی که آرزوهایشان در زمین شهریار دفن شد

شهروند| دعا دعا می‌کرد که فقط نقص فنی باشد یا اشتباه خلبان؛ مثل همه حوادث هوایی که این سال‌ها در ایران اتفاق می‌افتاد و خلبان یا نقص فنی را مقصر اعلام می‌کردند. اما دلش شور می‌زد، تنش یخ کرده بود و دوست نداشت باور کند که یک اشتباه، یک دستور نابجا صدف را از آنها گرفته است. ولی حیف که همه اینها فقط آرزو بود؛ صبح که چشمانش را باز کرد، خبر مثل پتک روی سرش هوار شد، نمی‌توانست قبول کند که شلیک موشک، هواپیما را منفجر کرده. اینها را ساندرا، دوست صمیمی صدف حاجیان، به «شهروند» می‌گوید. صدف یکی از قربانیان حادثه سقوط هواپیمای شماره ps-۷۵۲ است که از تهران عازم کی‌یف بود. با اینکه از همان فردای سقوط هواپیمای بویینگ صحبت از موشک و پدافند و شلیک نیروهای نظامی ایران در فضای مجازی دست به دست می‌شد، اما خانواده صدف و دوستانش به این خبرها اعتنایی نداشتند: «برای ما مهم خود صدف بود؛ او فقط ۲۸ سال داشت. می‌دانستیم که او دیگر بین ما نیست. بعد از هر حادثه‌ای این حرف‌ها مطرح می‌شود. ما هم فکر می‌کردیم که اینها فقط شایعه است؛ اما مثل اینکه ما اشتباه می‌کردیم.»

صدف حاجیان چهار سال پیش برای تحصیل و اقامت راهی کانادا شد. با اینکه در ایران مهندسی معماری خوانده بود اما به مدیریت هم علاقه داشت. صدف بعد از کلی نامه‌نگاری و ارسال درخواست تحصیل به دانشگاه‌های مختلف کشور کانادا، از دانشگاه تورنتو پذیرش گرفت و مشغول تحصیل در مقطع دکترا شد و همزمان کارهای اقامتش را هم به جریان انداخت. آن‌طور که دوست صدف می‌گوید، او درسش تمام شده و تا ماه آینده ویزای کانادایی‌اش هم آماده می‌شد: «او برای دیدن اقوام و آشنایان به ایران آمده بود. یک روز قبل از رفتنش هم میهمانی مفصلی گرفت و تا آخر شب با هم بودیم تا اینکه صبح چهارشنبه خبر سقوط هواپیما را شنیدیم. همان موقع به خانه صدف رفتم، وقتی مادرش را دیدم، فهمیدم که بهترین دوستم را از دست دادم.» ساندرا از حال و روز خانواده صدف هم می‌گوید: «او تک‌فرزند بود، پدرش چند سال پیش به کانادا مهاجرت کرد و صدف هم به همین دلیل این کشور را برای ادامه تحصیل انتخاب کرد.» حالا اما پدر صدف هم به ایران بازگشته تا در مراسم ترحیم دخترش حضور داشته باشد. اما هنوز تکلیف پیکرهای بازمانده از این حادثه تلخ هوایی مشخص نیست؛ پزشکی قانونی به خانواده صدف اعلام کرده کار شناسایی اجساد چند هفته‌ای طول می‌کشد.

> «تیکه پاره‌های بچه‌هایم را جمع کنند و به من بدهند. فقط همین را می‌خواهم.» این جمله را می‌گوید و بغض دیگر امانش نمی‌دهد. پدری که در هولناک‌ترین حادثه سال، دختر و پسر و عروس و نوه‌اش را با هم از دست داده؛ زجری که می‌کشد را نه می‌تواند فریاد بزند و نه می‌تواند در کلمات بیانش کند

سیاوش غفوری‌آذر

آن موشک به قلب من خورد

من اشتباه کردم که با حقوق معلمی سعی کردم فرزندانم را طوری بزرگ کنم که به درد این آب و خاک بخورند. همه تلاشم این بود که تحصیلات‌شان را ادامه بدهند. من اشتباه کردم که حالا باید حسرت بخورم. فرهادم قربانی اشتباه نشد. اینها را پدر فرهاد نیکنام یکی از جانباختگان حادثه هوایی پرند به «شهروند» می‌گوید. پیرمردی که ۴۵ سال در آموزش‌وپرورش بچه‌های زیادی تربیت کرد. حالا اما در غم از دست دادن فرهادش گریه امانش را بریده: «کاش صبح امروز را نمی‌دیدم، کاش کور و کر بودم و خبرها را نمی‌شنیدم، آن موشک انگار به قلب من خورد، کاش من جای فرهادم در آن هواپیما بودم.» فرهاد چهل‌وچهار ساله دندان‌پزشک بود. او ۱۸ سال در ایران طبابت کرد، بعد هم تصمیم گرفت به کانادا مهاجرت کند. اما برای رشته‌های پزشکی مشغول به کارشدن در کانادا کار راحتی نیست؛ تشریفات خاصی دارد تا وزارت بهداشت این کشور اجازه تأسیس مطب را به پزشکان تحصیلکرده سایر کشورها بدهد. اما فرهاد با کمک دو برادر دیگرش که چند سال قبل از او به کانادا رفته بودند، موفق شد مجوز بگیرد و کارش را شروع کند. او در این مدت با دختری ایرانی هم ازدواج کرد و بعد هم صاحب دو فرزند شد. یونا پسر شش ساله فرهاد است و آن‌طور که پدربزرگش می‌گوید همراه مادر و خواهر سه ساله‌اش قرار است به ایران بیاید: «مانده‌ام جواب عروسم را چه بدهم، نوه‌هایم خیلی زود یتیم شدند، یونا از پشت تلفن مدام سراغ فرهاد را از من می‌گیرد و من هم بی‌صدا فقط اشک می‌ریزم.» این پدر داغدار می‌گوید از همان روز چهارشنبه تا امروز که این خبر روی سرم آوار شد، هیچ‌کس از مسئولان سراغی از ما نگرفته، انگار نه انگار که این همه آدم کشته شدند؛ آن هم به خاطر یک اشتباه: «برخورد موشک پدافند سپاه و سقوط این هواپیما؛ حتی به زبان‌آوردنش هم برایم سخت است. چه کسی باور می‌کرد؟ من هنوز هم نتوانستم به خودم بقبولانم که یک اشتباه فرهاد را از ما گرفت و سیاه‌پوش‌مان کرد.»

> پدر فرهاد نیکنام: من اشتباه کردم که با حقوق معلمی سعی کردم فرزندانم را طوری بزرگ کنم که به درد این آب و خاک بخورند. همه تلاشم این بود که تحصیلات‌شان را ادامه بدهند. من اشتباه کردم که حالا باید حسرت بخورم. فرهادم قربانی اشتباه نشد

اشک‌های پدری که ویران شد

«تیکه پاره‌های بچه‌هایم را جمع کنند و به من بدهند. فقط همین را می‌خواهم.» این جمله را می‌گوید و بغض دیگر امانش نمی‌دهد. پدری که در هولناک‌ترین حادثه سال، دختر و پسر و عروس و نوه‌اش را با هم از دست داده؛ زجری که می‌کشد را نه می‌تواند فریاد بزند و نه می‌تواند در کلمات بیانش کند. برای همین با صدای بلند اشک می‌ریزد و به همین یک جمله کوتاه بسنده می‌کند. جمله کوتاهی که به اندازه یک دنیا غم و درد بی‌درمان را منتقل می‌کند. ۵ دقیقه جهنمی صبح چهارشنبه، عزیزترین‌های زندگی‌اش را از او گرفته؛ نه خودش توان دارد و نه همسرش. الوند، نگار، سهند و سوفی چهار اسمی هستند که از چهار روز پیش در دل خانواده صادقی حک شده‌اند؛ زن و شوهر بیست‌ونه و بیست‌وهفت ساله، خواهر سی‌وسه ساله و سوفی پنج‌ساله. آخرین بدرقه در فرودگاه امام خمینی(ره) بود و دیگر هیچ اثری از این پنج نفر نماند. صدای لرزان پدر سهند و الوند در سوگ این مصیبت بزرگ امانش نمی‌دهد. دختردایی سهند و الوند در توضیح این ماجرای غمناک به خبرنگار «شهروند» می‌گوید: «الوند و همسرش نگار یک سال پیش بود که در ایران با هم ازدواج کردند. الوند فوق لیسانس مهندسی صنایع داشت و همسرش هم متخصص تغذیه بود. آنها یک سال پیش پس از ازدواج‌شان از ایران رفتند، زندگیشان را در کانادا آغاز کردند و این نخستین باری بود که بعد از مهاجرت به دیدن خانواده‌شان می‌آمدند. سهند خواهر بزرگ‌تر الوند است. او ۵ سال پیش به کانادا رفته بود، فوق لیسانس شیمی گرفته بود و زندگی موفقی در کانادا داشت. البرز هم که برادر بزرگ‌ترشان است، سال‌هاست در نروژ زندگی می‌کند. آنان برای تعطیلات کریسمس به ایران آمدند. البرز بعد از مدت‌ها خواهر و برادرش را می‌دید، در فرودگاه از آغوش همدیگر بیرون نمی‌آمدند و پدر و مادرشان هم با دیدن این صحنه هیجان زیادی داشتند؛ بعد از مدت‌ها تمام فرزندان دور هم جمع شده بودند. سهند با دختر پنج ساله‌اش به نام سوفی به ایران آمده بود. دو هفته پیش همگی آمدند و آن شب کذایی سهند و سوفی، الوند و نگار عازم کانادا شدند. در این دو هفته خانواده عمه من خیلی خوشحال بودند. روزها و شب‌های خوبی در کنار هم داشتند؛ چون بعد از مدت‌ها همه خانواده در کنار هم بودند اما حالا عمه و شوهرعمه‌ام همه زندگیشان را از دست داده‌اند. من فکر می‌کنم آنان دیگر نمی‌توانند به زندگی عادی برگردند. زندگی عمه‌ام ویران شده؛ هنوز هم باورش نمی‌شود. نمی‌دانند باید چکار کنند، چطور می‌توانند این همه عصبانیت و درد را کمتر کنند. قطعا که آنها به دنبال پول و غرامت نیستند. هیچ چیزی نمی‌تواند غم بزرگی که دارند را آرام کند.»

در عزای یک عروسی

آرزو می‌کردند دلیل سقوط هواپیما نقص فنی باشد. حالا دوبار مرده‌اند یک‌بار سحرگاه چهارشنبه و یک‌بار هم صبح شنبه. وقتی باخبر شدند شایعه‌ها درست بوده و نوعروس و دامادشان به همراه ۱۷۴ مسافر دیگر در آسمان پرند برای همیشه خاموش شدند. سارا ممانی و سیاوش غفوری آذر یکی از آن عروس و دامادهای آن پرواز جهنمی بودند. یکی از همان‌هایی که آرزوهایشان در زمین شهریار دفن شد. آمده بودند ایران تا با پوشیدن رخت عروسی زندگی‌شان را آغاز کنند اما چه کوتاه بود این زندگی رویایی. حالا مادر و خواهرش رخت عزا به تن کرده‌اند. سوگوارند. سوگوار دختری که ۱۰ سال درمونترال درس خواند تا در رشته مهندسی مکانیک در دانشگاه کنکوردیا فارغ‌التحصیل شد. می‌خواستند لباس عروس و دامادی بر تن کنند در این خاک. هفته پیش از حادثه بود که جشن برگزار شد اما چه تلخ پایان یافت. «سارا ۱۰ سالی بود که در کانادا درس می‌خواند تا اینکه در دانشگاه با سیاوش آشنا شد و تصمیم به ازدواج گرفتند. پس از رضایت خانواده‌ها قرار جشن عروسی گذاشتند.» اینها را صفر سرابی پسر عمه سارا می‌گوید. «هفته پیش از حادثه در تهران جشن گرفتند و اما آن عروسی به عزا تبدیل شد. پدر سارا دوسال پیش فوت کرده است و مادرش سرطان دارد. شیمی درمانی می‌شود حتی توان نشستن روی صندلی را هم ندارد. باورشان نمی‌شود این سفر، این پرواز، این مهاجرت و این عروسی این همه تراژدی باشد. چه کسی جوابگو است. چه کسی می‌خواهد پاسخگوی قلب مچاله مادر بیمار سارا باشد که باشنیدن خبر مرگ دخترش تمام سرمایه این سال‌ها از زندگی‌اش در بیمارستان به حالت نیمه بی‌هوش افتاده است.» حالا خانواده سارا تنها پیکر بی‌جان دختر و دامادشان را می‌خواهند تا مرهمی باشد بر این درد بزرگ. می‌گویند هیچ چیز روح و قلب‌مان را التیام نمی‌دهد نه غرامت و نه دیه.

مکث

سرقت اطلاعات بیش از ۶ هزار حساب بانکی

شهروند| هکر حرفه‌ای از طریق فیشینگ از حساب بانکی ۶ هزار و ۶۱۵ تن از مردم قم برداشت کرده بود. پلیس فتای استان قم در پی رصد و پایش فضای مجازی و در راستای مبارزه با پولشویی، یک هکر حرفه‌ای را شناسایی کرد. متهم از طریق شماره‌های مجازی در زمینه پولشویی و خرید ارزهای دیجیتال اقدام می‌کرد و در ارتباط با اقدام مجرمانه او نیز، پرونده‌های زیادی در سراسر کشور تشکیل شده بود.

متهم با استفاده از پی‌ان‌های خارجی و حتی وی‌پی‌اس‌های داخلی اقدام‌های مجرمانه خود را انجام می‌داد و جهت احراز هویت در حین انجام برخی تراکنش‌های مالی اقدام به سوءاستفاده مدارک هویتی افراد دیگر کرده تا امکان شناسایی وجود نداشته باشد. او همچنین به صورت سازمان‌یافته با استخدام افراد مختلف در زمینه برنامه‌نویسی، تهیه کارت اجاره، سیم‌کارت‌های افراد غیر، شناسایی صرافی‌های افراد متخلف، تهیه مدارک هویتی جعلی و غیره با راه‌اندازی ربات‌های مختلف و ارسال پیامک‌های انبوه متناسب با مسائل روز جامعه اقدام به سرقت اطلاعات کارت بانکی افراد کرده و با طراحی ربات موجودی بگیر و کارت به کارت اقدام به پولشویی در سطح کلان می‌کرد. متهم ۱۴ ساله و ۲ تن از هم‌دستانش که ۱۶ ساله بودند، دستگیر شدند و در تحقیقات پلیس ادعا کردند که پول حاصل از فیشینگ را صرف خوشگذرانی خود می‌کردند.

درنهایت متهمان به همراه پرونده تشکیل‌شده برای انجام مراحل قانونی تحویل مرجع قضائی استان شدند.

رهایی گروگان ۳۷ ساله از چنگال آدم‌ربایان

شهروند| آدم‌ربایان مرد جوانی را به دلیل اختلاف مالی در زاهدان به گروگان گرفتند. ساعت ۲۱ شامگاه پانزدهم دی‌ماه سال‌جاری یک آدم‌ربایی در خیابان دانشگاه شهر زاهدان به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ گزارش شد و بلافاصله تیمی ویژه از پلیس آگاهی موضوع را در دستور کار خود قرار دادند. در بررسی‌های اولیه از شاهدان عینی در محل حادثه مشخص شد مردی ۳۷ ساله که در خیابان دانشگاه در حال گذر بود، توسط سرنشینان یک پژو گروگان گرفته شده که با توجه به حفظ جان فرد ربوده شده، عملیات پلیس با هدایت مقام قضائی با انسجام و برنامه‌ریزی دقیق به مرحله اجرا درآمد. کارآگاهان زبده اداره مبارزه با جرایم جنایی با کمترین سرنخ‌های موجود تحقیقات گسترده‌ای را آغاز و به اطلاعاتی از اعضای این باند آدم‌ربایی دست یافتند. آدم‌ربایان که خود را در یک قدمی پلیس می‌دیدند، قبل از دستگیری، فرد ربوده‌شده را ساعت ۱۲ و ۱۵ دقیقه بامداد روز بعد در محدوده کلاته کامبوزیا شهر زاهدان رها کردند. علل و انگیزه آدم‌ربایان در این پرونده اختلافات مالی اعلام شد و تحقیقات برای دستگیری عاملان آدم‌ربایی با توجه به سرنخ‌های به‌دست‌آمده ادامه دارد.

بخشش یک اعدامی ساعاتی قبل از قصاص

یک محکوم به اعدام در ایرانشهر، هشت ساعت قبل از اعدام، بخشیده شد. این فرد در سال ۹۵ در یک نزاع خیابانی مرتکب قتل یک نفر شده بود. با تلاش و رایزنی‌های فراوان همکاران قضائی، اعضای شورای حل اختلاف ایرانشهر و مددکاران زندان این شهر، خانواده مقتول رضایت خود را در ساعات پایانی اجرای حکم اعلام کردند. قرار بود حکم اعدام این فرد بامداد شنبه اجرا شود.

سقوط مرگبار بهمن

سقوط بهمن، جان یک کوهنورد را در خراسان‌رضوی گرفت. ساعت ۱۳ و ۴۵ دقیقه روز جمعه با اعلام مرکز کنترل عملیات کوهستان جمعیت هلال‌احمر مشهد مبنی بر مفقود شدن دو کوهنورد، به سرعت سه تیم نجات کوهستان به منطقه فلسکه اعزام شدند. مردی که با جمعیت هلال‌احمر تماس گرفته بود، در کمال صحت و سلامت توسط نیروهای امدادی به منطقه امن منتقل شد. پس از ۱۰ ساعت تلاش بی‌وقفه، پیکر بی‌جان کوهنورد دیگر از عمق دومتری بهمن، بیرون کشیده شد.